

The Function of Social Monotheism in Social Effectiveness and Structure, with Emphasis on the Verses of the Qur'an

Mohammad Arabsalehi¹
Farideh Pishvae²

ABSTRACT

Social monotheism, which is the result of a social and practical understanding of the principle of monotheism, in Ayatollah Khamenei's view, is a social theory and a general structure of life. In this regard he proposes the hypothesis of the function of social monotheism in the theoretical foundations and monotheistic society, including social "effectiveness" and "structure". Therefore, this article aims to investigate the effects and results of the social understanding of monotheism in the duality of social effectiveness and structure, focusing on the verses of the Holy Qur'an. This research has been conducted using the descriptive-analytical method based on library data and the logic of understanding verses and rational reasoning. The results show that both effectiveness and structure are influenced by social monotheism. The centrality of obedience to God in social relations, truth-centeredness and denying the worship of whims in the social movement are among the results of the function of social monotheism in terms of effectiveness. And the negation of the plurality in worship and polytheistic models, the common social destiny of the Islamic Ummah, social control through the duty of enjoining good and forbidding what is evil, and Itibariyat ba'd al-Ijtima' (conventional perceptions after civilization), the establishment of conventional institutions, and giving a monotheistic direction to social institutions and organizations are the output of the function of social monotheism in terms of structure. Divine traditions are also inviolable social laws that result from the social and collective deeds of people, and as a beyond-human agent, it participates in the macro-transformations and fate of societies.

KEYWORDS: Social Monotheism, Effectiveness, Structure, The Qur'an, Function.

1- Professor, Department of Logic of Understanding Religion, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran, arabsalehi@iict.ac.ir

2- Level 4th Student of Comparative Interpretation, Masoomiyah Institute of Higher Seminary Education, Qom, Iran (corresponding author), f.pishvae@dte.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

20.1001.1.27833542.1403.4.1.5.6

10.22034/arq.2024.196978



نوع مقاله: پژوهشی

کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت و ساختار اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن

محمد عرب صالحی^۱

فریده پیشوایی^۲

چکیده

توحید اجتماعی که حاصل فهم اجتماعی و عمل‌زا از اصل اعتقادی توحید است، در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به مثابه نظریه اجتماعی و ساختاری کلی برای زندگی است و فرضیه کارکرد توحید اجتماعی را در مبادی نظری جامعه توحیدی از جمله عاملیت و ساختار اجتماعی مطرح می‌کند؛ از این‌رو هدف این مقاله بررسی کارکرد و ثمرات فهم اجتماعی از توحید در دوگانه عاملیت و ساختار اجتماعی با محوریت آیات قرآن است. این تحقیق که با روش توصیفی تحلیلی و براساس داده‌های کتابخانه‌ای و منطقی فهم آیات و استدلال عقلی صورت گرفته، نشان داد هم عاملیت و هم ساختار از توحید اجتماعی متأثر می‌شوند. محوریت اطاعت از خدا در مناسبات اجتماعی و حق‌محوری و نفی هواپرستی در حرکت اجتماعی، برون‌داد کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت‌هاست و نفی تعدد ولایت‌ها و ساختارهای شرک‌آمیز، هم سرنوشتی اجتماعی امت اسلام، کنترل اجتماعی از طریق فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تحول در اعتبارات بعدالاجتماع و تأسیس نهادهای اعتباری و جهت‌دهی توحیدی به نهادها و

فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی

۱۴۳

سال چهارم

شماره یک

پیاپی: ۱۳

بهار ۱۴۰۳



شماره ثبت: ۲۷۸۳-۲۵۴۲
https://arq.quran.ac.ir

۱- استاد گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران، arabsalehi@iict.ac.ir

۲- سطح چهار تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

f.pishvae@dtc.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

توجه به اقتضائات جوامع امروزی و غلبه رویکرد اجتماعی در شبهات و نیز نقش بسیج اجتماعی و همسویی اراده‌ها و خواست‌های اجتماعی در تعیین سرنوشت جوامع، ضرورت بررسی کارکرد توحید اجتماعی در مباحث نظری جامعه و نظام توحیدی را که موضوع مقاله در زمره آن است، روشن می‌سازد. اهمیت این مسئله تا آنجاست که آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم بر مقوله جامعه پردازی پس از خودسازی تأکید نموده و افق تمدن سازی را پس از این دو امر ترسیم کردند (متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

در متن کامل الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت نیز درباره نقش‌آفرینی افراد و جامعه بر یکدیگر تأکید شده که جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است و دین‌داری فردی آحاد جامعه به‌تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست و جامعه به‌عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست؛ ولی می‌تواند به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آن‌ها جهت دهد و از افراد به‌ویژه نخبگان اثر پذیرد (متن کامل الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت <https://www.isna.ir/news/97072212330>).

آیت‌الله خامنه‌ای در ضرورت توحیدی شدن اجتماع، نظام‌های اجتماعی را به تورهای ماهیگیری تشبیه می‌کنند که گاهی در میان خود هزاران ماهی را به یک سمت خاصی می‌کشانند و ماهیان خودشان متوجه نیستند که با همان حرکت تور، به یک طرفی کشیده می‌شوند و نمی‌فهمند کسی آن‌ها را داخل تور هدایت می‌کند و خیال می‌کنند آزادند و راه می‌روند، هیچ احساس اسارت هم نمی‌کنند. نظام‌های اجتماعی هم این‌چنین‌اند، اگرچه آن دیگر اسارت نیست، چون در آن آگاهی و بینایی هست، وانگهی نظام مستند به خدا و بندگی بالاخره بندگی خداست. هر نظام اجتماعی این خصوصیت را دارد، انسان‌ها در نظام اجتماعی داخل یک تور نامرئی هستند و به یک طرفی کشانده می‌شوند، اگر آن‌ها را به طرف بهشت ببرند، انسان‌ها را به طرف بهشت می‌روند و اگر به طرف جهنم ببرند، انسان‌ها به طرف جهنم کشانده می‌شوند؛ قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ»

(ابراهیم: ۲۸)؛ آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! (بیانات در جلسه بیست و دوم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۱/۰۱/۲۶).

ایشان با تأکید بر این مسئله که سردمداران نظام‌های باطل و طاغوتی و کفرآمیز، انسان‌هایی را که در سایه این نظام‌ها زندگی می‌کنند به سمت جهنم می‌کشاند، معتقدند اطاعت از هر نظام اجتماعی باطل و غلط و غیر الهی عبادت غیر خداست، ولو اسمش هم مسلمان باشد و نمازش را هم بخواند؛ زیرا آن کسانی که بر کار این‌ها حاکمیت دارند، کسانی هستند که با معیارهای الهی زندگی جامعه را اداره نمی‌کنند، سخن حق نمی‌زنند، کار حق نمی‌کنند. اینکه قرآن می‌فرماید: «فلا تجعلوا لله انداداً» (بقره: ۲۲)؛ برای خدا رقیب و شریک و انباز قرار ندهید، این شریک و رقیب فقط آن بتی نیست که در کعبه بود یا امروز در بت‌خانه‌های هندوستان هست، این هم که انسان در محیط اجتماعی و زندگی‌اش از یک قانون و نظام و جهت‌گیری اطاعت کند که به خدای متعال و به امر الهی وابسته نیست، یک نوع بت است و اطاعت و عبادت این را هم نباید کرد (همان).

با توجه به اهمیت این مسئله، فرضیه مقاله این است که می‌توان برآیند خوانش اجتماعی از توحید را در دوگانه عاملیت - ساختار ۱ و مناسبات بین آن دو که از مباحث کلیدی و پر دامنه در نظریه‌های اجتماعی معاصر است، تحلیل و استخراج کرد. این مبحث زیرمجموعه هستی‌شناسی اجتماعی که به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل در اواخر قرن بیستم در جهان غرب شکل گرفته و محور آن امر اجتماعی است (سیدی فر، ۱۳۹۵: ۱۷) به شمار می‌رود. اگر عاملیت را - که به عمل اشاره دارد - به توانایی کنشگران دارای قدرت و ناظر به هر آن چیزی بدانیم که روی داده، به گونه‌ای که اگر آن کنشگر متفاوت رفتار کرده بود، روی نمی‌داد و فرد می‌توانست در هر مرحله از زنجیره رفتاری معین، به‌طور متفاوتی عمل کند (گیدنز، ۱۳۹۶: ۴۰) و ساختار را مجموعه‌ای از ارتباط‌های نسبتاً ثابت و الگودار واحدهای اجتماعی و نظامی از روابط اجتماعی بین بخش‌های

تفکیک شده جامعه و موقعیت‌هایی تعریف کنیم که مناسبات نقش و کنش اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کورز و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۵۰۱ و ۵۱۸-۵۱۹). دوگانه ساختار-عاملیت، ناظر به تاثیر و تائثر و رابطه دوسویه بین این دو در تحلیل پدیده‌ها و واقعیت اجتماعی خواهد بود؛ یعنی نه صرفاً بر دخالت تام عاملیت تأکید می‌کند و نه ساختار حاکم بر جامعه را در عین فراگیری و نفوذ بالا و تحمیل محدودیت، تعیین‌کننده نهایی می‌داند و بر آن است که این دو با وجود عدم امکان فروکاست به یکدیگر، تضاد ماهوی ندارند.

۲. پیشینه

در مورد پیشینه این مقاله گفتنی است در برخی آثار مبانی نظام اجتماعی به صورت کلی بررسی شده، مانند کتاب «مبانی نظام اجتماعی اسلام» که توسط حسن خیری در مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی به انجام رسیده و سال ۱۳۹۳ در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شده است. در این اثر نویسنده با استناد به آموزه‌های قرآن و سنت، به تبیین و ترسیم سیمای اجتماعی نظام اسلامی و نظام معرفتی مبتنی بر آن با هدف پاسخ‌گویی به انواع نیازهای انسان بر پایه عقل و وحی پرداخته و شاخص‌های مهم چنین نظامی را بیان کرده است. مفهوم نظام اجتماعی در رویکردهای ساختارگرایی کارکردی، تضادگرایی، تلفیق‌گرایی و کنش‌گرایی، هستی‌شناسی جامعه و مبانی معرفت‌شناسانه نظام اجتماعی اسلام و نیز مبانی روش‌شناسی نظام اجتماعی اسلام و مبانی ارزشی در چنین نظامی، از مباحث مطرح شده در این کتاب است که با رویکرد مقاله حاضر متفاوت است. مقاله «رابطه عاملیت و ساختار از دیدگاه علامه طباطبایی» (نظری و شرف‌الدین، ۱۳۹۳) ثابت کرده نظریه علامه طباطبایی در رویکرد تلفیق‌گرایی قرار می‌گیرد و متعاقب آن تعامل دوسویه عاملیت و ساختار توضیح داده می‌شود. مقاله «مناسبات عاملیت و ساختار از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری» (ربانی و فهامی، ۱۳۹۴)، نیز تلاش کرده دیدگاه علامه جعفری را در این زمینه تبیین کند. در مقاله «رهاورد جامعه‌شناس مسلمان در تقیح دوگانه ساختار و عاملیت» (باقری و نظریان، ۱۳۹۷) نویسندگان درصدد کشف عناصر

مشترک و متمایز موجود در سه نظریه مربوط به تبیین مسئله «رابطه ساختار و عاملیت» هستند.

برخی پژوهش‌ها هم به بررسی اصول اعتقادی از جمله توحید در علم اجتماعی پرداخته‌اند؛ مانند «توحید گرایی در علم اسلامی اجتماعی» (آقاجانی، ۱۴۰۱). این مقاله ضمن تقسیم نقش توحید گرایی در سه محور تبیین گرایش انسان‌ها به زندگی اجتماعی؛ تشریح زندگی اجتماعی و جامعه‌سازی و تبیین نقش عاملیت انسانی در جامعه‌سازی، بر آن است که با بسط و برجسته‌سازی رویکرد توحیدی در تبیین مسائلی از این دست، توانمندی و ظرفیت‌های آن را در علم اجتماعی اسلامی نشان می‌دهد.

چنانکه گذشت نگارندگان در دیگر آثار خود به بررسی کارکردهای «توحید اجتماعی» پرداخته‌اند که از جمله آن می‌توان به مقاله «کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه توحیدی از منظر قرآن» (۱۴۰۲) اشاره کرد؛ اما در مجموع در آثار موجود به صورتی که مقاله حاضر کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت‌ها و ساختارها و برون‌داد آن را بررسی کرده، ورود نشده است.

۳. مفهوم شناسی

ابتدا لازم است تعریف عملیاتی از واژگان کلیدی مقاله ارائه شود:

توحید: توحید در لغت از ماده «و ح د» که بر اصل معنایی «انفراد» دلالت دارد، (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۶: ۹۰) مشتق شده است. «وَحْدَه» یعنی انفراد و تنهایی و واحد در حقیقت چیزی است که جزء و اجزاء ندارد؛ یکی است و واحد است و اگر خدای تعالی با این واژه وصف شود، معنایش این است که درباره خداوند داشتن اجزاء و افزونی صحیح نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ۴: ۴۲۵-۴۲۶). در مجمع‌البحرین توحید، نفی شریک از خداوند معنا شده (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۱۵۸) و خلیل بن احمد فراهیدی توحید را به ایمان به یگانگی خدایی که شریکی ندارد، معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳: ۲۸۱) «وقتی ماده «وحد» به باب تفعیل برود؛ یعنی یکی کردن، واحد کردن، واحد ساختن و در اصطلاح یعنی خدایان متعدد را به صورت خدای واحد درآوردن،

جامعه غیرتوحیدی را توحیدی کردن و مغز مشترک و دل مشترک را مغز موحد و دل موحد قرار دادن» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۲۶) و «با معنای درست و صحیحش با معنای اسلامی‌اش، نه به معنای خرافی و تبیل مآبانه‌اش یعنی خدا را یکی کردن و حکومت الهی، جامعه الهی، قانون الهی، نظام الهی به وجود آوردن» (همان: ۲۲۷). در این نگاه خاص، ذات توحید از صرف اعتقاد فراتر رفته و در معنای مصدري با نوعی عمل اجتماعی سنخیت می‌یابد.

امر اجتماعی: در تبیین امر اجتماعی تعابیر مختلفی شده است که برخی با مراد این تحقیق نزدیک هست؛ مثلاً گفته شده fact social یا امر اجتماعی شامل هر وضع، رابطه، رویداد یا هر واقعیتی خواهد بود که به هر صورت جنبه‌ای از حیات اجتماعی را متجلی می‌سازد (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۵۵) و مطابق برخی تعاریف، از مراد این تحقیق دور شده است. گفتنی است با ملاحظه تقسیم اعتبارات در نظریه علامه طباطبایی به دودسته «پیش از اجتماع» و «بعد از اجتماع» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲: ۲۲۸) می‌توان میان سه گونه کنش تفاوت قائل شد: کنش فردی، کنش اشتراکی و کنش اجتماعی. کنش فردی (پیش از اجتماع) کنشی است که اگر فرد به تنهایی در دنیا وجود داشته باشد، چنین کنشی از او صادر می‌شود، مانند تغذیه، نماز، روزه، خواب و استراحت، یادگیری. کنش اشتراکی، همان کنش فردی است که همراه با دیگر افراد به صورت جمعی انجام می‌شود، مانند حج، پیاده‌روی اربعین، ورزش همگانی، تحصیل و... کنش اجتماعی (اعتبار بعد از اجتماع) کنشی که در تعامل با دیگران محقق می‌شود و با کنش فردی که همراه با جمع انجام می‌شود، تفاوت دارد مانند گفتگو، نماز جماعت، ازدواج، معامله، آموزش و تدریس. تفاوت کنش اشتراکی و اجتماعی در دو جهت است:

- در کنش اشتراکی وجود دیگر افراد برای تحقق کنش شرط نیست؛ در حالی که در کنش اجتماعی، بدون دیگری اصلاً کنش محقق نمی‌شود. به عنوان نمونه نماز جماعت بدون امام و مأموم محقق نمی‌شود؛ اما حج بدون حضور دیگران محقق می‌شود.

- در کنش اشتراکی، کیفیت کنش افراد بر کنش دیگران تأثیری ندارد، به‌طور

مثال بطلان حج یک فرد، سبب بطلان حج دیگری نمی‌شود؛ اما در کنش اجتماعی، کیفیت کنش هر یک بر دیگری تأثیرگذار است، مثلاً فردی ممکن است اتصال جماعت را برهم زند و باعث فرادی شدن نماز جماعت برای عده‌ای گردد (ر.ک: حسنی و موسوی، ۱۳۹۸: ۲۱۴-۲۱۶).

با توضیح فوق مراد از اجتماعی در ترکیب توحید اجتماعی، نه امر اشتراکی، نه امر جمعی صرف و نه صرفاً امر اجتماعی از نگاه یک جامعه‌شناس بلکه امر اجتماعی در نظر یک متکلم و فیلسوف دین مدنظر است که در قبال نگاه فردی و ذهنی و نظری صرف به توحید قرار گرفته است. مراد اموری است که مربوط به زیست اجتماعی انسان در قبال زیست فردی انسان است. به تعبیری می‌توان گفت نگاه یک فیلسوف دین به امر اجتماعی بسیار فراتر از نگاه یک جامعه‌شناس به آن است و شامل امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌شود. بر این اساس «توحید اجتماعی» یک ترکیب وصفی است که حکایت دارد اجتماعی بودن، وصف توحید است، در ذات توحید و نه اضافه و عارض بر آن. در واقع توحید اجتماعی در قبال توحید نظری فلسفی و عرفانی مصطلح که صرفاً نگاه نظری به توحید دارد، قرار می‌گیرد و مراد از آن خوانش اجتماعی و کل‌نگر از توحید است. با توجه به دو ضلعی بودن توحید؛ یعنی تأکید بر نفی مطلق هر اله و معبودی غیر از خداوند و اثبات یگانگی مطلق او، توحید اجتماعی یعنی نفوذ کردن این دو مقوله در کل امور فردی و اجتماعی و در تمام روابط داخلی و خارجی انسان‌ها که لزوماً از مقتضای ایمان و اعتقاد نظری آحاد مردم به دست نمی‌آید؛ به عبارت دیگر در ترکیب توحید اجتماعی، توحید جمعی یا اشتراکی منظور نیست؛ زیرا چه‌بسا ممکن است ایمان جمعی و اشتراکی و همگانی وجود داشته باشد، ولی توحید همچنان صبغه درون فردی داشته و از قالب یک امر ذهنی و نظری خارج نشده باشد و در ارتباطات، تعاملات و مناسباتشان بروز و ظهور خارجی نیابد یا دارای قلمرو عملی محدود باشد و نهایتاً در مناسک عبادی منحصر شود مانند اینکه آحاد جامعه، در اعمال فردی و مناسکی به صورت مشترک معتقد و عامل به مقتضای ایمان باشند یا حتی آن مناسک را به صورت جمعی به‌جا آورند، ولی در واقعیت زندگی، حکومت

طاغوت‌ها را پذیرند و نظام و ساختار جامعه‌شان بر اساس توحید نباشد؛ بنابراین توحید اجتماعی یا شرک اجتماعی با توحید جمعی و اشتراکی یا شرک جمعی و اشتراکی لزوماً یکی نیستند.

توحید اجتماعی: توحید اجتماعی که ایده اولیه آن به تحلیل مسلمانان روشنفکر از توحید از جمله شهید مطهری، امام خمینی و در دهه‌های اخیر آیت‌الله خامنه‌ای بازمی‌گردد، بر پایه توحید اعتقادی شکل گرفته و شامل دو مؤلفه سلبی و ایجابی «نفی عبودیت غیر خدا» و «اثبات ربوبیت مطلقه الهی» است و در آثار پیشین نگارندگان به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.^۱ از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، توحید دارای جوانب زندگی ساز و خط مشی اجتماعی و طرحی عملی برای زندگی است که در صورت حاکمیت آن در نظام اجتماعی، کمال، تعالی و سعادت بشر رقم خواهد خورد (نک: خامنه‌ای، ۱۳۵۶: ۶۸). توحید اجتماعی یعنی توحیدی که با محوریت نفی طاغوت، با زندگی اجتماعی انسان‌ها و با جامعه مماس و در ارتباط کامل باشد، الگوی رفتاری آن‌ها را در تمام ابعاد و اضلاع زندگی تعیین کند تا به معنای واقعی کلمه، جنبه سلبی لااله الا الله فعلیت یابد، نتیجه اینکه اگر فردی در تمام ساحت‌های زندگی منحصرأً به خدا ایمان داشته و غیر او را در تمام جوانب زندگی به طور مطلق انکار کند، توحید او، اجتماعی است، این امر در جوامع هم صدق می‌کند و قطعاً برکات و ثمرات آن بیشتر خواهد بود.

خوانش اجتماعی از توحید، با انحصار عبودیت در خداوند و اطاعت مطلق از او و نفی عبادت یا به تعبیر دقیق‌تر نفی اطاعت از طاغوت که از مصادیق آن می‌توانند مستکبران غربی و مستبدان شرقی وابسته به آنان باشند، توحید را به ساحت خرد و کلان زندگی انسان گسترش می‌دهد. بر این اساس می‌توان توحید اجتماعی را ظهور اجتماعی ابعاد بینشی و معرفتی توحید در ساختار و پیکره جامعه و صورت‌بندی کلی و نظم کلان اجتماعی با هدف تشکیل جامعه توحیدی دانست. در رویکرد اجتماعی، توحید، علاوه برداشتن سویه اعتقادی،

۱- ر. ک: مؤلفه‌های «توحید اجتماعی» در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته)، محمد عرب صالحی و فریده پیشوایی، مطالعات تفسیری قرآن کریم مفتاح، ش ۱۰، ۱۴۰۲ و «مؤلفه‌های توحید اجتماعی از دیدگاه مفسران فریقین و روایات و نسبت‌سنجی آن با واژه عبادت»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۵۴، ۱۴۰۲.

به‌مثابه یک طرح، الگوی عمل‌زا و تحول‌آفرین و مؤثر در تمام ابعاد زندگی انسان و جوامع بشری، فهم می‌شود.

این بازتعریف انبساطی از توحید، جنبه زندگی ساز توحید را آشکار کرده، آن را از خلوت دل و ایمان مؤمنانه قلبی و کنج معابد و پرده‌نشینی به شکلی فعال و پویا به‌سوی ساختار و نظام‌های اجتماعی سوق می‌دهد. گفتنی است دیدگاه‌ها و نظریات در تحلیل ماهیت اجتماعی توحید و نسبت آن با توحید اعتقادی در مقاله توحید اجتماعی، ماهیت و تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۱: ۹۹-۱۲۴) از نگارندگان به‌تفصیل بیان شده است.

ساختار و عاملیت: ساختار- عاملیت یکی از دوگانه‌های تثبیت‌شده نزد جامعه‌شناسان است، به‌گونه‌ای که آن‌ها را بر این اساس به سه دسته فردگرا، ساختارگرا و تلفیقی تقسیم می‌کنند. رویکرد فردگرا مبتنی بر نگاه دوگانه فرد و جامعه و نفی عاملیت الهی است. در این سنت تثبیت‌شده، رویکرد عاملیت تنها بر فرد یا افراد جامعه به‌مثابه کنشگران فعال و مستقل تأکید می‌ورزد، درحالی‌که ساختارگرا بر تسلط و تصلب شرایط ساختاری جامعه و نهادهای اجتماعی بر افراد اصرار دارد و تلفیقی‌ها در جمع هر دو نگاه تلاش می‌کنند (آقاجانی، ۱۴۰۱: ۲۲).

نظریه‌های عاملیت برآزادی و خلاقیت و توانایی‌های انسان‌ها بر کنش تأکید می‌کنند (اسکات، ۱۳۹۸: ۲۳۲). نظریه‌های عاملیتی ساختارهای اجتماعی را محصول فعالیت‌های انسان‌ها می‌انگارند و نظریه‌های ساختاری، انسان را مغلوب الزامات و اقتضانات ساختارهای اجتماعی تصویر می‌کنند. (جمشیدی، ۱۴۰۱: ۵۹) مراد از عاملیت در این مقاله، فاعلیت، کنش‌ها و مناسبات و ارتباطات و تعاملات تأثیرگذار و تکرار شونده و معنادار کنشگران اجتماعی است.

در معنای ساختار اجتماعی نیز گفته‌شده منظور شیوه‌ای است که طی آن یک جامعه در راستای روابط قابل پیش‌بینی سازمان‌یافته است (شفر، ۱۳۹۱: ۱۴۹). ساختار یک جامعه به الگوهای تکرارپذیر فعالیت‌های اشاره دارد که علی‌رغم یک تغییر مداوم در افراد خاصی که آن‌ها را تقبل می‌کنند، در دوره‌های زمانی فراوانی تداوم می‌یابد. یک ساختار اجتماعی، الگوی دیرپا یا بادوامی از روش و

ترتیب میان اعضای فردی یک گروه و آناتومی یک جمعیت است که به عنوان هیئت یا بدنه اجتماعی تلقی می شود و چارچوبی نظم دهنده است که توسط آن معانی فرهنگی، افراد را وادار می کنند که به عنوان افراد اجتماعی عمل کنند (اسکات، ۱۳۹۸: ۲۳۲-۲۳۳). واژه ساختار، معطوف به چارچوب های حاکم بر پدیده های اجتماعی و نحوه سازمان دهی روابط میان افراد، گروه ها و طبقات مختلف یک جامعه و چگونگی تعامل و پیوند میان آنهاست که بر انتخاب ها و فرصت های موجود تأثیر می گذارد یا آنها محدود می کند.

فارغ از دیدگاه ها درباره اصالت فرد یا جامعه در اندیشه حکیمان و جامعه شناسان مسلمان، دیدگاه منتخب این تحقیق، تأثیرگذاری متقابل بین عاملیت ها و ساختار در صورت بندی، راهبری و مدیریت جامعه بوده و اصل بر این است که از یک سو ساختارهای اجتماعی محصول اراده و فعالیت عاملیت های انسانی هستند و از سوی دیگر اراده و فعالیت عاملیت های انسانی از همین ساختارها تأثیر می پذیرند و ساختارها می توانند نقش بازدارنده یا پیش برنده ایفا کنند (جمشیدی، ۱۴۰۱: ۵۹).

۴. کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت (عمل و رفتار اجتماعی کنشگران)

نقش و کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت، رفتارها و عملکردهای انسان ها در تعاملات اجتماعی در دو بند زیر ظهور می یابد که همسو با دو مؤلفه توحید اجتماعی یعنی نفی عبودیت غیر خدا و انحصار ربوبیت در او قابل تبیین است:

الف) محوریت اطاعت از خدا در مناسبات اجتماعی و نفی اطاعت از طاغوت

فهم اجتماعی از توحید، همه چیز را توحیدی می کند و منطقه ای از زندگی نیست که توحید در آن عاملیت یا نفوذ نداشته باشد. در این رویکرد توحید به مثابه دال مرکزی گفتمان و نقطه عزیمتی است برای پذیرش حاکمیت خداوند که شعاع آن در سرتاسر زندگی امتداد می یابد، بنابراین افراد در عمل، انتخاب آزادانه و مستقل ندارند، بلکه رضایت و حکم خدا و انجام اوامر و ترک نواهی او غایت تمام کنش ها و تعاملات اجتماعی خواهد بود و اطاعت از هر حاکم یا قدرت مستبد

و استکباری یا نظام سلطه‌گر (طاغوت) که می‌توان از آن به شرک اجتماعی یاد کرد و موجب گمراهی و ضلالت خواهد شد، کنار می‌رود؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب: ۶۷)؛ و می‌گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند!» «ساده» جمع «سید» به معنی مالک بزرگی است که تدبیر شهرهای مهم یا کشوری را بر عهده دارد و «کبراء» جمع «کبیر» به معنی افراد بزرگ است؛ خواه از نظر سن، یا علم، یا موقعیت اجتماعی یا مانند آن.

در این آیه، واژه «ساده» اشاره به رؤسای بزرگ محیط است و «کبراء» کسانی هستند که زیر نظر آن‌ها به اداره امور می‌پردازند و معاون و مشاور آن‌ها محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۴۴۰-۴۴۱) و در مجموع منظور کسانی هستند که سرنوشت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی طبقات پایین جامعه را تحت کنترل داشتند و از نظر فکری و عملی بر آن‌ها فشار می‌آوردند تا از نظر اعتقادی گمراه شوند و آن‌ها هم به دلیل نیازی که به آن‌ها داشتند، مقابلشان سر تعظیم فرو آوردند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۸: ۳۵۵). در حقیقت مراد آن‌ها این است که اطاعت رؤسای خود را به‌جای اطاعت خدا قرار دادیم و اطاعت کبراء را به‌جای اطاعت پیامبران و لذا گرفتار انواع انحرافات و انواع بدبختی‌ها شدیم. بدیهی است معیار «سیادت» و «بزرگی» در میان آن‌ها همان معیارهای زور و قلدری و مال و ثروت نامشروع و مکر و فریب بود و انتخاب این دو تعبیر در اینجا شاید برای این است که تا حدی عذر خود را موجه جلوه دهند و بگویند ما تحت تأثیر عظمت ظاهری آن‌ها قرار گرفته بودیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۴۴۰-۴۴۱). این امر نشان می‌دهد در هیچ حالتی اطاعت و پیروی از حاکمان طاغی و گمراه‌کننده جایز نیست و هیچ عذری در این تبعیت فاسد و پیامدهای سوء آن پذیرفته نخواهد بود.

توحید اجتماعی به‌مثابه مفهومی منتقد، رهایی‌بخش و شورانگیز، ذائقه عاملیت‌ها را به‌صورت خودجوش توحیدی می‌کند و به‌جای اتخاذ عملکرد منفعل یا واکنشگر، موحدان را به‌صورت فعال و پیشرو در مسیر نفی حاکمیت طاغوت و خدایان دروغین، تثبیت عبودیت خداوند و نفی اطاعت از غیر او و

مستقر کردن گفتمان توحید قرار می‌دهد و به تبع آن محور تعاملات اجتماعی دیگر خودخواهی نیست، بلکه همه برمدار خداخواهی و حق‌طلبی تنظیم گشته و تعامل هم توحیدی خواهد بود، نه منفعت‌طلبانه و بر اساس سود یا ترس از فقدان منافع مادی و دنیوی. مصالح و پیوندهای الهی هم بر خواسته‌های فردی و شخصی ترجیح می‌یابند.

ب) حق محوری و نفی هواپرستی و خواسته‌های نفسانی در حرکت اجتماعی

توحید اجتماعی حق‌محوری و نفی هواپرستی و خواسته‌های نفسانی را در حرکت‌های اجتماعی سرریز می‌کند. به‌طورکلی حرکت اجتماعی انسان ناگزیر با دو چیز همراه است که عبارت‌اند از:

اول) حقی که انسان را در برگرفته و عدالتی که مصالح واقعی او را عینیت می‌بخشد؛ خواه این مصالح فردی باشد و خواه اجتماعی. البته، پس‌از آن که این جامعه به حالت تعادل درآید تا عدالت و داد در آن تحقق یابد؛ دوم) خواسته‌ها، شهوت‌ها و تمایلاتی که در انسان وجود دارد.

گاهی انسان حق و عدالت را پایه روابط اجتماعی خود قرار می‌دهد و در این هنگام است که از طریق همین حق به پرستش خدای یگانه می‌رسد، زیرا که خدا همان حق محض و آشکار است. همان‌گونه که فرمان‌برداری از او مصلحت انسان را تحقق می‌بخشد. با برقرار کردن روابط بر پایه این حق و عدالت «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۷۱)؛ و اگر حق از هوس‌های آن‌ها پیروی کند، آسمان‌ها و زمین و همه کسانی که در آن‌ها هستند تباہ می‌شوند! ولی ما قرآنی به آن‌ها دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) برای آن‌هاست، اما آنان از (آنچه مایه) یادآوری‌شان (است) رویگردانند! و پرستیدن خدای یگانه و نیز پیروی از حق و قرار دادن آن به‌عنوان محور حرکت انسان است که یکی از عناصر مهم یکپارچگی جامعه به وجود می‌آید؛ زیرا حق و عدالت، یکی است نه چند تا؛ اما در صورتی که روابط انسان بر پایه تمایلات و خواسته‌های شخصی یا گروهی ایجاد شود، این روابط، چندگانه و ناسازگار خواهد بود و جز

چنددستگی، اختلاف و کشمکش، هیچ اثری در جامعه بر جای نخواهد گذاشت (حکیم، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۵۸)؛ چنانکه فرشتگان هنگام مطلع شدن از خلقت انسان پیش‌بینی کردند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره: ۳۰) که ناشی از تبعیت از هوای نفس و پرستش آن به معنای تسلیم شدن مقابل خواسته‌های آن در کنش‌های اجتماعی است و قرآن کریم از آن به‌عنوان یک قاعده کلی یاد می‌کند:

«بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (روم: ۲۹)؛ ولی ظالمان بدون علم و آگاهی، از هوی و هوس‌های خود پیروی کردند! پس چه کسی می‌تواند آنان را که خدا گمراه کرده است، هدایت کند؟! و برای آن‌ها هیچ یآوری نخواهد بود!

تعبیر به «ظلموا» به‌جای «اشرکوا» در آیه اخیر اشاره به این است که «شُرک» خود بزرگ‌ترین «ظلم» محسوب می‌شود، ظلم بر خالق از این نظر که مخلوقش را هم‌ردیف او قرار داده‌اند و ظلم بر خلق خدا که آن‌ها را از راه خیر و سعادت که راه توحید است، بازداشته‌اند و ظلم بر خویشتن که تمام سرمایه‌های وجود خود را بر باد داده و در بیراهه سرگردان شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۶: ۴۱۵) و اکنون پشیمان از عملکرد خود در ترک اطاعت از خدا و رسول هستند.

توحید اجتماعی، محور هر رفتار و حرکت اجتماعی را حق‌طلبی قرار داده و با نفی هواپرستی و خواسته‌های نفسانی از عملکرد عاملان اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق عدالت عینی اجتماعی می‌شود. در چنین اجتماعی محور دیگر خودخواهی و منفعت‌طلبی نیست، بلکه معیار خداخواهی و حق‌طلبی بوده و تعامل هم‌توحیدی خواهد بود.

در بحث از تأثیرگذاری عاملیت‌ها، بی‌شک جهان‌بینی و عملکرد نخبگان و گروه‌های مرجع که نفوذ و پایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به سایر کنشگران دارند، هم‌به‌صورت ایجابی و هم‌به‌صورت سلبی تأثیرگذارتر است؛ به این صورت که از یک‌سو با ذهنیت‌پردازی و هویت‌بخشی اجتماعی و بسیج افکار و رفتار عمومی به سمت خداخواهی و خدامحوری، نقش راهبری و هدایتگری

دارند و از سوی دیگر با تعامل مثبت یا جبهه‌گیری مقابل ساختار قدرت به‌عنوان حلقه‌های واسط و مداخله‌گر و مولدان اندیشه و نظریه به‌صورت پیش‌تاز در مبنای نظری و بینشی حاکمان و بدنه حاکمیت تأثیر می‌گذارند.

نیز در گفتمان قرآنی سنت الهی که ناشی از عملکردهای انسان‌هاست و در دو آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (رعد: ۱۱)؛ «وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمَّا يَك مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال: ۵۳) به‌عنوان عامل مداخله‌گر فوق اراده انسانی معرفی شده، در معادلات و مناسبات اجتماعی تعیین‌کننده خواهد بود.

۵. نقش توحید اجتماعی در ساختار اجتماعی

چنانکه گذشت توحید پیش از هر چیز خط مشی اجتماعی و اندیشه‌ای نظام‌ساز است. این امر منطبق با مبنای مرتبط با ساختارهای اجتماعی است. به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای «عبودیت انحصاری خدا که ما در جمله ای‌ا که نَعْبُدُ بر زبان و در دل جاری می‌کنیم در حقیقت نظام زندگی ساری و جاری است، نه فقط یک‌بخشی از زندگی انسان، بلکه همه قلمرو زندگی انسان را شامل است. بنده خدا بودن در امر سیاست، در امر حکومت، در امر مبارزه، در امر جهاد، در اداره زندگی یک مفهوم بسیار والایی است. همه احکام اسلامی در همه این صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون به بنده خدا بودن و بندگی خدا کردن برمی‌گردد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ب: ۶۶-۶۷). در این رویکرد اصل اعتقادی توحید، باهدف تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان، باید محور تمام آموزه‌های سیاسی- اجتماعی تلقی گردد و با مهندسی اجتماعات و نگاه تشکیلاتی به جامعه، نهادهای انسانی و نظام‌های اعتقادی و ارزشی، همه کنش‌ها، تحرکات و تلاش‌های اجتماعی و نیز ساختار زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها در جهت حاکمیت مطلق الله سامان یابند و روح عبودیت در برابر خداوند و آزادی از هر قیدوبند دیگر در هر حکم و عملکرد کلی و جزئی، چه در حیطه اجتماعی و چه در سطح فردی، در تمام مقررات احکام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، موازین حقوقی و اخلاقی

و... لازم است که در جریان باشد.

در مؤيدات این امر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) نفی تعدد ولایت ها و ساختارهای شرک آمیز

توحید اجتماعی تعدد ولایت ها و چنددستگی حاکمان و فرمانروایان را نفی کرده و ساختارهای تنظیم کننده روابط اجتماعی را که بر پایه شرک ایجاد شده اند، مردود می داند، زیرا به گفته سید قطب اسلام نمی تواند در یک «تئوری» محض تجسم پیدا کند آن چنانکه کسانی از جهت اعتقادی و با انجام مراسم تعبدی آن را بپذیرند و در عین حال در ترکیب ارگانیک جامعه جاهلی حاکم نیز انضمام بیابند و لذا وجود آن ها به این گونه - هر چند هم که تعدادشان انبوه باشد - نخواهد توانست عملاً به اسلام موجودیت بدهد؛ چون این افراد که از لحاظ تئوریک مسلمان هستند، ولیکن عملاً در ترکیب ارگانیک جامعه جاهلی داخل شده اند، بدون تردید ناگزیر خواهند شد خواسته های این جامعه ارگانیک را برآورده سازند، خواسته و ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه در جهت برآورد ساختن نیازهای اساسی حیات این جامعه و نیازهای ضروری برای بقاء آن، به حرکت درآیند و از موجودیت آن دفاع کنند و به دفع عوامل تهدیدکننده کیان و موجودیت آن بپردازند بنابراین همان افراد به لحاظ تئوریک، مسلمان، عملاً به تقویت جامعه جاهلی می پردازند که در بعد نظری می خواهند آن را از میان بردارند و همانند سلول های زنده ای از پیکره آن، عناصر بقاء و ماندگاری اش را فراهم می کنند! و به جای اینکه حرکت آن ها در راستای براندازی این جامعه جاهلی و در جهت به وجود آوردن جامعه اسلامی به کار گرفته شود، تمام استعدادها و آگاهی ها و انرژی های خود را برای زنده ماندن و نیرومند شدن پیکره جامعه جاهلی به کام آن می ریزند (سید قطب، بی تا: ۳۷-۳۹). این امر از قرآن قابل استنباط است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید!

بر اساس آیه فوق، مرزبندی با دشمنان خدا و فاصله گیری از آنان ضروری و زیر چتر کفار رفتن و طرح دوستی و یاری گرفتن از آنان در تضاد با اجتماعی بودن توحید است، زیرا ایمان به خدا با ارتباط دوستانه با دشمنان او سازگار

نیست و جامعه موحد حق ندارد در هیچ ساحتی با دشمنان خدا روابط حسنه برقرار کند. آیت‌الله خامنه‌ای با مثالی ضرورت نهی وارد شده در آیه را تبیین می‌کنند: «اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته (مشخص) نباشد، از آن طرف یک قاچاقچی، دزد و جاسوس نفوذ پیدا می‌کند؛ و از این طرف هم یک آدم غافل، آدم خواب‌آلوده از مرز عبور می‌کند و گرفتار می‌شود. مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن می‌تواند نفوذ و خدعه کرده و فریبنده عمل کند. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۷/۱۲/۲۳). همچنین بنا به وعده قرآن حزب و گروه شیطان محکوم به نابودی هستند: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله: ۱۹)؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطان‌اند! بدانید حزب شیطان زیان‌کاران‌اند!

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه می‌فرماید: «در آیه شریفه «اسْتَحْوَذَ» یعنی «استولی» و مراد این است که شیطان بر آنها مسلط شده است. همه بدانند، آفرینش بدانند، تاریخ بدانند، انسان‌ها بدانند که حزب شیطان زیان‌کاران‌اند. الآن ما در جامعه خودمان هم گروه و حزب شیطان داریم. در جامعه اسلامی وسیع عالم اسلام هم احزاب و گروه‌های شیطانی داریم. این‌ها زیانکارند؛ این را بدانید که ضرر خواهند کرد؛ در قیامت که ضرر کننده هستند، در دنیا هم اگر مؤمنین خوب کار کنند، آنها ضرر خواهند کرد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ج: ۱۱۳-۱۱۴).

از مصادیق ساختار شرک‌آمیز و شیطانی در جامعه که ویژگی آن فراموشی یاد خداست، می‌تواند تسلط فرهنگ و سیاست و اقتصاد غرب باشد که با پرستش خدای یگانه در تعارض است. مطابق با بیان آیت‌الله خامنه‌ای «امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی چیزی به نام هویت اسلامی وجود ندارد؛ بلکه مردم مسلمان‌اند، نماز هم می‌خوانند، روزه هم می‌گیرند، شاید زکات هم می‌دهند، اما مجموعه جامعه، هویت اسلامی ندارد؛ یعنی یک شخصیتی، یک حقیقتی قرار گرفته در مقابل حقیقت کفر و حقیقت طاغوت وجود ندارد؛ لذا

آن‌ها (غربی‌ها) در فرهنگ، باورها، اقتصاد و در روابط اجتماعی‌شان دخالت می‌کنند، سیاست‌هایشان را در مشت می‌گیرند. آن‌وقت نتیجه این می‌شود که چون درون مجتمع و امت اسلامی هویت واحدی وجود ندارد، دعوا و جنگ به وجود می‌آید» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷). از نظر ایشان «یک نوع از شرک پذیرش نظام‌های مادی است عبودیت نظام‌های بشری، نظام‌های ساخته‌وپرداخته دست بشر؛ قوانینی که بشر آن‌ها را ساخته و دستوراتی که افراد بشر آن را صادر کرده‌اند. عمل کردن به این‌ها عبادت غیر خداست؛ عبادت همان کسانی است که این‌ها را به وجود آورده‌اند؛ مثلاً متفکرینی مکتبی را پایه‌گذاری می‌کنند و برای زندگی بشر سرمشق می‌نویسند؛ دستور می‌دهند اقتصاد این‌طور باشد، حکومت آن‌جوری باشد، روابط اجتماعی این‌جوری باشد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف: ۳۳۷).

پیامد این تعدد و اختلاف در جامعه انسانی - خواه بر اثر اطاعت از سران و بزرگان و فرمان‌برداری و تقدیس آنان باشد و خواه بر اثر پیروی از خواسته‌ها و شهوت‌ها، پدیدهای اجتماعی است که موانع اختلاف و ژرفای ریشه‌های آن را پابرجاتر می‌سازد؛ چه، ولایت یک‌چیز، از رابطه استوار و دوستی با آن چیز آغاز می‌شود تا این که جزء ذات و وجود انسان می‌شود و این دوستی تا آنجا رشد می‌کند که انسان در برابر آن چیز احساس تعهد و پیمان می‌کند و معتقد می‌شود که باید از آن حمایت و دفاع کند و یاری‌اش برساند. سپس این احساس تکامل و رشد پیدا می‌کند تا این که به یک پدیده اجتماعی و قانونی تبدیل می‌گردد که تمامی روابط اجتماعی در جامعه بر اساس آن برپا و تقسیم‌بندی می‌شود و این ولایت، جای ولایت حق، عدالت، ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول را می‌گیرد (حکیم، ۱۳۸۷: ۱۶۴). از نظر قرآن ولایت تنها از آن خدا و کسانی است که ولایت خود را بدان‌ها تفویض کرده است، چنانکه می‌فرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (مائده: ۵۵-۵۶)»؛ سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند. کسانی که

ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.

توحید اجتماعی، طرز تفکر و خط‌مشی زیربنایی است که متعهد و متکفل ارائه روش عملی و الگوی عینی زندگی بوده و بر اساس نفی تمام طاغوت‌ها و معبودان دروغین که دعوت به اطاعت می‌کنند، ابعاد مختلف زیست اجتماعی انسان‌ها و جامعه را بر محور بندگی و اطاعت از خداوند ساماندهی می‌کند و با معماری و کارگردانی حیات این جهانی انسان، هرگونه دخالت عملی مستقل در این ساحت از زندگی انسان‌ها را خروج از دایره بندگی به شمار می‌آورد.

ب) هم‌سرنوشتی اجتماعی امت اسلام

امت واژه‌ای است که معنای لغوی آن، جماعت محض است، لیکن در کاربرد قرآن، تحول پیدا کرده و به معنای جماعتی به کاررفته است که افراد آن با یکدیگر روابط فکری، عقیدتی و رفتاری دارند و از لحاظ معنا نزدیک‌ترین واژه قرآنی به واژه «جامعه» است (همان: ۱۰۱).

در خوانش اجتماعی از توحید، اطاعت و رجوع به خدامحور اتحاد و پیوستگی انسان‌ها و تشکیلات متحد و همسو که قرآن از آن به امت یاد می‌کند، قرار می‌گیرد. از دیدگاه علامه طباطبایی اسلام هدف مشترکی برای جامعه یا همان امت اسلامی اعلام نموده، آن هدف مشترک عبارت است از سعادت حقیقی، (نه خیالی) و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۴: ۹۷). این امر تا آنجاست که به بیان شهید مطهری قرآن برای امت‌ها نامه عمل مشترک قائل است، یعنی نه تنها افراد هر کدام کتاب و نوشته و دفتر مخصوص به خود دارند، جامعه‌ها نیز از این جهت که در شمار موجودات زنده و باشعور و مکلف هستند و اراده و اختیار دارند، نامه عمل دارند و به سوی نامه عمل خود فراخوانده می‌شوند، چنانکه می‌فرماید: «كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا» (جائیه: ۲۸)؛ هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹). داشتن هدف مشترک و تأثیر و تأثر و تعامل متقابل فرد و جامعه، داشتن سرنوشتی مشترک را اقتضا می‌کند و توحید اجتماعی شاهراه رسیدن به این هدف مشترک و سعادت‌مندی جامعه و افراد آن است.

ج) کنترل اجتماعی از طریق فریضه امر به معروف و نهی از منکر

از آنجاکه عبودیت خالص الهی به معنای واقعی درگرو عبودیت اجتماعی و بندگی همگانی در برابر خداوند است، لازمه این امر کنترل اجتماعی و نظارت بر اعمال و رفتارهای اجتماعی و ایجاد انضباط اجتماعی بر پایه اطاعت از خداوند و بی تفاوت نبودن نسبت به انحراف اجتماعی از مسیر بندگی و سرنوشت جامعه است؛ زیرا کنش کنشگران اجتماعی به صورت غیرمستقیم در ساختار جامعه و ایجاد تغییر و دگرگونی در آن دخیل است.

جامعه‌شناسان معتقدند ساختارهای اجتماعی شامل رابطه اجتماعی هنجاری الگومند است که از طریق فعالیت انسانی تولید، بازتولید و دگرگون می‌شود و از این رو تحلیل ساختار اجتماعی به تحلیل کنش اجتماعی وابسته است و افراد و کنش به لحاظ اجتماعی سازمان یافته، از طریق یک فرایند ساختار بندی، الگوهای بزرگ تر کنش و ویژگی های ساختاری را تولید می کنند و تغییر می دهند و از این منظر کنش ها را محدود و مشروط می کنند (اسکات، ۱۳۹۸: ۲۸۰-۲۸۱). به بیان دیگر رفتارهای اجتماعی کنترل شده در صورت تکرار، با ایجاد دگرگونی در سطح آداب و رسوم و کردارهای معمول و لایه های رویین و واقعیت های اجتماعی، در طول زمان امکان تبدیل به عادات اجتماعی کلی و الگوهای بزرگ رفتاری را دارند و در نهایت می توانند دگرگونی در سطح نهادها و ساختارها را نتیجه دهند.

اگر ساختار جامعه را به دو ساختار سخت یعنی نظام های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و ساختار نرم که همان فرهنگ و نظام معنایی و روح حاکم بر جامعه باشد، معنا کنیم، رفتارها و سلوک جمعی و اجتماعی مستمر در این نظام فرهنگی جامعه تأثیرگذار خواهد بود و طبیعتاً کنترل اجتماعی به معنای سوق دادن اعضای جامعه به پذیرش رفتارها و هنجارها و قواعدی که جامعه توحیدی آن را مطلوب می داند، از طریق اجبار اجتماعی یا اقناع ضروری است و ضمانت تحقق آن در وجوب اصل امر به معروف و نهی از منکر تأمین شده است؛ چنانکه می فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴)؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگاران‌اند؛ مجتمع صالح علمی نافع و عملی صالح دارد، باید علم و تمدن خود را با تمام نیرو حفظ کند و افراد مجتمع صالح، اگر فردی را ببینند که از آن علم تخلف کرد، او را به سوی آن علم برگردانند و شخص منحرف از طریق خیر و معروف را به حال خود واگذار نکنند و نگذارند آن فرد در پرتگاه منکر سقوط نموده، در مهلکه شر و فساد بیفتد بلکه باید هر یک از افراد آن مجتمع که به شخص منحرف برخورد نماید، او را از انحراف نهی کند (امین، ۱۳۸۷: ۲۳). این تنظیم‌گری از آن جهت است که در نگاه توحید اجتماعی، فضا و روح کلی حاکم بر جامعه، بر افراد و نوع انتخاب و گزینش‌هایشان تأثیرگذار خواهد بود. از دیدگاه علامه طباطبایی قوا و ویژگی‌های اجتماعی چون نیرومندتر است، بر قوا و ویژگی‌های فردی غلبه می‌کند؛ چون لازمه قوی‌تر بودن یکی از دو نیروی متضاد این است که بر آن دیگری غلبه کند، علاوه بر اینکه حس و تجربه هم همین را اثبات می‌کند؛ مثلاً وقتی جامعه بر امری همت بگمارد و تحقق آن را اراده کند و قوا و توانایی‌های خود را به کار بگیرد، یک فرد نمی‌تواند با نیروی خودش به تنهایی علیه جامعه قیام کند، مثلاً در جنگ‌ها و هجوم‌های دسته‌جمعی اراده یک فرد نمی‌تواند با اراده جمعیت مقابله نماید بلکه چاره‌ای جز این ندارد که تابع جمع شود و در نتیجه هر چه بر سر جامعه آمد، بر سر او هم می‌آید، حتی می‌توان گفت اراده جامعه آن‌قدر قوی است که از فرد سلب اراده و شعور و فکر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۴: ۹۷).

توحید اجتماعی و لوازم آن در جامعه، قوای تأثیرگذار اجتماعی را در راستای تحقق عبودیت و فلاح اجتماعی به شکل حداکثری کنترل و تجهیز کرده و از هدر رفت آن در مسیر پرستش و اطاعت از طاغوت جلوگیری خواهد کرد تا بندگی خدا در کلیت جامعه مستقر شود.

د) تحول در اعتبارات بعدالاجتماع و تأسیس نهادهای اعتباری

انسان همواره برای اداره امور اجتماعی و رفع نیازهای اجتماعی خود دست به تأسیس نهادهای اجتماعی در زمینه حکومت، مدیریت، ریاست، ملکیت، مبادله،

خانواده و غیر آن می‌زند؛ این مسائل همه از اعتبارات بعد از تشکیل جامعه و مرتبط با سیاست، اقتصاد، حقوق و غیر آن است (ر.ک: ترخان، ۱۴۰۲: ۲۱۲). مبانی کلامی، به‌ویژه توحید اجتماعی هم می‌تواند اعتباریات و نهادهای اعتباری جدیدی را برای اداره اجتماع پیشنهاد دهد، هم آن دسته از نهادهای موجود که در راستای توحید نیست منحل کند یا با ایجاد تحول در آن‌ها ابقاء نماید؛ نوع نگاه خاص به جهان و انسان و گسترش توحید به زیست اجتماعی طبعاً می‌تواند بر اعتباریات بعد الاجتماع تأثیرگذار باشد.

به بیانی دیگر، اعتباریات در تعامل میان نیازها، غایات و تمایلات انسانی شکل می‌گیرند؛ آنچه تمایلات و نیازهای انسان را مشخص کرده و به آن‌ها جهت می‌دهد نوع جهان‌بینی، انسان‌شناسی و خداشناسی و رابطه میان انسان، جهان و خداست. اینجاست که توحید اجتماعی با تعیین و جهت‌دهی به نیازها و تمایلات انسان موجب تأسیس اعتباریات جدید و تثبیت، انحلال یا جهت‌دهی آن‌ها می‌گردد (ر.ک: همان: ۲۲۰-۲۲۱).

۵) جهت‌دهی توحیدی به نهادها و سازمان‌های اجتماعی

از مجراهای کارکرد ساختارها در جامعه، نهادها و سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی‌اند که یکی از مهم‌ترین مباحث مرتبط با مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسانه به شمار می‌روند. نهادهای اجتماعی، مفاهیمی هستند انتزاعی که از امور و شئون مهم و اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی بشر حکایت می‌کنند. مقصود از اجتناب‌ناپذیری پاره‌ای از امور و شئون حیات جمعی این است که اولاً در طول تاریخ بشری جامعه‌ای پدید نیامده است که از این امور و شئون خالی باشد؛ ثانیاً در هر جامعه‌ای تقریباً همه افراد با این امور و شئون ربط و پیوند و سروکار دارند. «سازمان اجتماعی» یا «مؤسسه اجتماعی» نیز مظهر و مجلای «نهاد اجتماعی» است که نیروهای انسانی و اسباب و آلات مادی را در برمی‌گیرد، برای مثال «اقتصاد» را یکی از نهادهای اجتماعی می‌دانند و شرکت تعاونی، اتحادیه صنفی، اتحادیه کارگری، بنگاه بازرگانی، بازار، وزارت بازرگانی، وزارت اقتصاد و دارایی و... که سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی وابسته به نهاد اقتصادند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۳۴۳-۳۴۶).

بی‌شک سازمان‌ها و مؤسساتی که با روح توحیدی اداره می‌شوند، تفاوت کلی و ماهوی با سازمان‌ها و مؤسسات طاغوتی دارند. با توجه به مفهوم توحید اجتماعی و توسعه معنایی آن به اطاعت و پرهیز از سرسپردگی به غیر خدا، حاکم کردن خواست و اراده الهی بر خط‌مشی‌ها، قوانین، قواعد، سیاست‌ها، ضوابط و نظم حاکم بر ساختارها و سازمان‌ها و مؤسسات و نیز جهت‌دهی تعاملات و مناسبات درون سازمان‌ها در راستای اجرای قوانین و فرمان‌های الهی، کارکرد خوانش اجتماعی از توحید خواهد بود و به دنبال آن زمینه برای زیست موحدانه اجتماعی فراهم می‌گردد، چنانکه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی به اصل این قضیه اشاره و نسبت به تبعات آن هشدار می‌دهند:

تمام بنیادهایی که در کشور است فرهنگ، دادگستری و سایر مؤسسات دولتی در زمان طاغوت به‌طوری بود که هیچ شباهتی نه به اسلام داشت و نه هیچ فایده‌ای برای کشور. باید تحول حاصل بشود. اگر همه بنیادها تحول پیدا نکنند، از شکل طاغوتی به شکل توحیدی و اسلامی بیرون نیاید، ما باز به همان مسائل و به همان مشکلات مبتلا خواهیم بود؛ و شاید خدای نخواستہ بدتر هم بشود. باید همه قشرهای مملکت درصدد اصلاح باشند، تحول باشند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۷: ۱).

نکته مهم اینکه در سازمان‌های توحیدی تمام محاسبات بر اساس تأثیرگذاری فاعلیت خداوند و به‌دوراز انگیزه‌های غیر الهی و خواهش‌های نفسانی انجام شده و اعتماد غیر استقلالی به فنون و ابزارها نقطه تمایز با سازمان‌های طاغوتی است. در سازمان‌های توحید گرا مجالی برای رفتارهای شرک‌آمیز مانند تملق و چاپلوسی، تحقیر زیردستان و برخورد‌های تکبرآمیز و برتری‌جویانه و تفرعن، سوءاستفاده از جایگاه و پست سازمانی، نفاق و زیاد خواهی فرادستان نیست، بلکه روحیه کار جمعی با شاخصه عدالت و توکل به خدا و همراه با اطاعت منطقی و عاقلانه برای رسیدن به هدفی متعالی در آن جاری و ساری است. سازمان توحیدی، سازمانی است که هیچ‌کس در آن مجال استیلا جویی و برتری‌طلبی ندارد بلکه سازمانی است که از همه ارکان، فراگردها و مبانی ساختاری آن، جلوه‌های آزادی، برابری، عدالت‌خواهی و اعتقاد به وحدانیت قادر

متعال ساطع می‌شود و روشنی می‌آفریند. در واقع، سازمان توحیدی، سازمان خداست و هیچ‌کس در آن مجال سلطه‌گری نمی‌یابد (پورعزت، ۱۳۹۱: ۶۴). باید توجه داشت اگر مجموعه‌ای در تمامی بندهای اساس نامه‌اش، عبودیت را به‌عنوان یک اصل مسجل مطرح کند و در اسم و ظاهر، نام خدا را سرلوحه فعالیت‌هایش قرار دهد، اما در معنا و باطن خبری از توحید نباشد، باید گفت که هنوز تا فهم تشکیلات توحیدی فاصله زیادی وجود دارد تا چه رسد به تحقق چنین تشکیلاتی (رزمی و جعفری، ۱۴۰۲: ۳۹).

این تحول و جهت‌گیری توحیدی در هدف‌گذاری‌های کلان، مأموریت‌ها، ساختار، قوانین و ضوابط حاکم بر آن و نیز نوع نگاه به مدیریت و شیوه اجرای آن، نوع نگاه به نیروی انسانی، برنامه‌ریزی و اجرا، تعاملات و ارتباطات، نظارت و ارزیابی و همچنین رویکرد و خط مشی‌گذاری در تولیدات و خروجی‌های سازمان‌ها قابل تقسیم است.

۶. نتیجه‌گیری

این مقاله در نظر داشت با تبیین ماهیت اجتماعی توحید در امتداد توحید نظری و اعتقادی، برون‌داد و کارکرد این بازتفسیر از توحید را در عاملیت و ساختار اجتماعی نشان دهد. بر اساس یافته‌های این مقاله:

۱. توحید اجتماعی کل‌نگر و اجتماع‌محور است و ضمن تکیه‌بر تحلیل ذهنی و نظری توحید، با هویت‌بخشی اجتماعی به گزاره‌های دین با رویکرد تمدنی همراه با عقلانیت اجتماعی، در پی پذیرش وحدانیت خداوند در حاکمیت و نفوذ احکام و فرمان‌های الهی و پویایی و حضور واقعی آن در زندگی اجتماعی انسان‌هاست.

۲. خوانش اجتماعی از توحید موجب می‌شود مبانی نظام توحیدی از جمله مبانی جامعه‌شناختی آن متحول شده و هم عاملیت‌ها یعنی کنش‌های موحدان و هم ساختارهای اجتماعی به دنبال این فهم از توحید صورت و مأموریت جدیدی یابند. با رویکرد اجتماعی به توحید، مبانی جامعه‌شناختی نظام اجتماعی، از زاویه تحلیل فردگرا، جزئی یا منطقه‌ای به تحلیلی کل‌نگر و توحید بنیان چرخش می‌یابد.

۳. توحید محوری و توحید خواهی کنشگران اجتماعی، به صورت مطالبه جمعی و اجتماعی ساختارهای خرد و به تبع آن ساختارهای کلان جامعه را اجمالاً توحیدی کرده و با توحیدی شدن ساختارها به ویژه ساختار قدرت، توحید محوری در عاملیت‌ها نیز بیش از پیش تثبیت شده و در یک رابطه متقابل و تعاملی، ساختارها نیز به سوی توحیدی شدن تفصیلی و عمیق تر خود را باز تولید خواهند کرد.

۴. کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت‌ها: محوریت اطاعت از خدا در مناسبات اجتماعی و حق خواهی و نفی هواپرستی و خواسته‌های نفسانی در حرکت اجتماعی است.

۵. کارکرد توحید اجتماعی در ساختار اجتماعی: نفی تعدد ولایت‌ها و ساختارهای شرک آمیز، هم‌سرنوشتی اجتماعی امت اسلام، کنترل اجتماعی از طریق فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تأسیس نهادهای اعتباری یا تحول در اعتبارات بعدالاجتماع و جهت‌دهی توحیدی به نهادها و سازمان‌های اجتماعی است.

۶. مافوق همه این عوامل و فرآیندها سنت‌های الهی نیز به عنوان قوانین اجتماعی تخلف‌ناپذیر که ناشی از گزینش و عملکردهای اجتماعی و جمعی انسان‌هاست، در تحولات کلان و سرنوشت جوامع دخیل‌اند.

نتیجه اینکه توحید با در نظر گرفتن خصلت اجتماعی و نظام‌سازی که در بطن خود دارد، در هریک از این دو می‌تواند نقش کلیدی داشته و تحولاتی را در سطح جامعه رقم بزند.

فهرست منابع

- *قرآن کریم ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۱- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 - ۲- آقاجانی، نصرالله، (۱۴۰۱)، «توحیدگرایی در علم اسلامی اجتماعی»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۵۱، ص ۷-۲۶.
 - ۳- اسکات، جان، (۱۳۹۸)، مفهوم پردازی جهان اجتماعی؛ اصول تحلیل جامعه‌شناسی، ترجمه روح الله قاسمی، چاپ اول، تهران، اندیشه احسان.
 - ۴- امین، مهدی، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان)، تهران، مؤسسه شهر نشر.
 - ۵- بیرو، آلن، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران، نشر کیهان.
 - ۶- پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۱)، «مختصات سازمان توحیدی در پرتو کلام امام علی (ع)»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۳۴، صص ۴۹-۶۶.
 - ۷- ترخان، قاسم، (۱۴۰۲)، برآیند مبانی کلامی در علوم انسانی اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - ۸- جمشیدی، مهدی، (۱۴۰۱)، درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت الله خامنه‌ای، چاپ پنجم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - ۹- حکیم، سیدمحمدباقر، (۱۳۸۷)، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ترجمه موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 - ۱۰- حسنی، سیدحمیدرضا و هادی موسوی، (۱۳۹۸)، انسان‌کنش‌شناسی اعتباری؛ ظرفیت‌شناسی انسان-شناسی علامه طباطبایی و عالمان علم اصول برای علوم انسانی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - ۱۱- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۴۰۱ الف)، تفسیر سوره بقره، چاپ دوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
 - ۱۲- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۴۰۱ ج)، تفسیر سوره مجادله، چاپ نهم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
 - ۱۳- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۴۰۱ ب)، تفسیر سوره حمد، چاپ هفتم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
 - ۱۴- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۵۶)، مقاله روح توحید نفی عبودیت خدا؛ مجموعه مقالات دیدگاه توحیدی، به کوشش مصطفی ایزدی و قاسم مسکوب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - ۱۵- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ سی و چهارم، قم: صهباء.
 - ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، چاپ اول، تهران، مرتضوی.

- ۱۷- رزمی، حسن و سید مهدی جعفری، (۱۴۰۲)، تشکیلات توحیدی؛ سازوکار امتداد توحید در فعالیتهای تشکیلاتی از منظر مقام معظم رهبری، تشکیلات توحیدی، چاپ اول، قم، راه فطرت.
- ۱۸- سیدقطب، (بی‌تا)، نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، تهران، بنیاد نشر افکار و اندیشه‌های سیدقطب و محمد قطب.
- ۱۹- سیدی‌فر، سیدعلی، (۱۳۹۵)، هستی‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر یک نظریه نو، چاپ اول، تهران، بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۰- شفر، ریچارد، (۱۳۹۱)، فرهنگ فشرده جامعه‌شناسی، ترجمه حسین شیران، بی‌چا، تهران، جامعه‌شناسی شرقی؛
- ۲۱- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۲- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، اصول فلسفه و روش رئالیسم (با مقدمه و پاورقی استاد مطهری)، تهران، صدرا.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
- ۲۴- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۲)، مولفه‌های «توحید اجتماعی» در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته)، مطالعات تفسیری قرآن کریم مفتاح، ش ۱۰، صص ۴-۲۲.
- ۲۵- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۱)، توحید اجتماعی، ماهیت، تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی، قیسات، ۱۰۴، صص ۹۹-۱۲۴.
- ۲۶- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۲)، «کارکردها و لوازم الهیاتی توحید اجتماعی در فلسفه علم اقتصاد با محوریت آیات قرآن» فلسفه دین، دوره ۲۰، ش ۳، صص ۲۱۷-۲۳۰.
- ۲۷- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۳)، «نقش توحید اجتماعی در فلسفه علوم اسلامی با محوریت آیات قرآن مورد مطالعه: علم کلام، عرفان» پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ش ۵۳، صص ۲۱۷-۲۳۶.
- ۲۸- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۲)، «کارکرد توحید اجتماعی در فلسفه دانش تفسیر»، مطالعات علوم قرآن، دوره ۴، ش ۴، صص ۱۸۷-۲۱۳.
- ۲۹- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۲)، «کارکرد توحید اجتماعی در جامعه توحیدی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۷، ش ۹۵، صص ۱۲۱-۱۴۲.
- ۳۰- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۲)، «مؤلفه‌های توحید اجتماعی از دیدگاه مفسران فریقین و روایات و نسبت سنجی آن با واژه عبادت»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۵۴، صص ۵-۳۷.
- ۳۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت.
- ۳۲- فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ ق)، من وحی القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالملاک.

- ۳۳- کورز، لوییس و روزنبرگ، برنارد، (۱۳۸۵)، نظریه‌های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- ۳۴- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۶)، ساخت جامعه، ترجمه اکبر احمدی، تهران، نشر علم.
- ۳۵- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، جامعه و تاریخ، چاپ هجدهم، تهران، صدرا.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۷- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۸)، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، چاپ دوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۸- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)؛ چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳۹- بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۰۲/۰۷ Khamenei.ir
- ۴۰- متن کامل الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت <https://www.isna.ir/news/97072212330>
- ۴۱- متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id/41673>

REFERENCES

* The Holy Quran, translated by Ayatollah Makarem Shirazi.

- 1- Aghajani, Nasrallah, (1401), «Tawheedism in Islamic Social Science», Journal of Cultural and Social Knowledge, Issue 51, pp. 26-7.
- 2- Al-Hakim, Seyed Muhammad Baqir, (1387), Human Society from the Perspective of the Holy Quran, translated by Musa Danesh, Mashhad, Aftan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- 3- Amin, Mahdi, (1387), Sociology from the Perspective of the Qur'an and Hadith (Thematic Interpretation of Al-Mizan), Tehran, Shahr Nashr Institute.
- 4- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1401), Social Monotheism, its nature, definition and relationship with religious monotheism, Qabasat, Issue 104, pp. 124-99.
- 5- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1402), «Components of social monotheism from the perspective of commentators of Fariqain and traditions and its correlation with the word of worship», Research Journal of Quranic Studies, Issue 54, pp. 5-37.
- 6- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1402), «Functions and theological tools of social monotheism in the philosophy of economics centered on the verses of the Qur'an», Philosophy of Religion, Vol 20, Issue 3, pp. 217-230.
- 7- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1402), «The Function of Social Monotheism in the Philosophy of Tafsir Science», Quran Studies, Vol. 4, Issue 4, pp. 187-213.
- 8- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1402), «The Function of Social Monotheism in Monotheistic Society», Epistemological Studies in Islamic University, Vol. 27, Issue 95, pp. 121-142.
- 9- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1402), the components of «social monotheism» in the Qur'an with an emphasis on the thoughts of Ayatollah Khamenei, Interpretive Studies of the Holy Qur'an, Miftah, Issue 10, pp. 4-22.
- 10- Arab Salehi, Muhammad and Pishvaei, Farideh, (1403), «The role of social monotheism in the philosophy of Islamic sciences, focusing on the verses of the Qur'an studied: theology, mysticism», Theological Belief Researches, Issue 53, pp. 217-236.
- 11- Biro, Alan, (1375), Culture of Social Sciences, translated by Bagher Sarokhani, third edition, Tehran, Kayhan Publishing House.
- 12- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1409 AH), Kitab al-Ayn, second edition, Qom, Hijrat.
- 13- Fazlullah, Seyed Muhammad Hussein, (1419 AH), Min Wahy Al-Qur'an, first edition, Beirut, Dar al- Malak.
- 14- Giddens, Anthony, (1396), Establishment of Society, translated by Akbar Ahmadi, Tehran, Elm Publications.
- 15- Hasani, Seyed Hamidreza and Hadi Mousavi, (1398), Human-Action Studies; Al-lameh Tabataba'is Anthropological Capacity Theory and Scholars of Principles for Human Sciences, first edition, Qom, Howzah and University Research Institute.
- 16- Ibn Faris, Ahmad, (1404 A.H.), Mujam Maqayis al-Lughah, first edition, Qom, Maktab al-Ilam al-Islami.

- 17- Jamshidi, Mehdi, (1401), An Introduction to the Cultural Thought of Ayatollah Khamenei, fifth edition, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- 18- Khamenei, Seyed Ali, (1356), Essay on the Spirit of Monotheism, Negation of the Worship of Non-God; A collection of monotheistic perspective essays, by Mustafa Izadi and Qasim Maskoub, Tehran, Islamic Culture Publishing House.
- 19- Khamenei, Seyed Ali, (1392), Outline of Islamic Thought in the Quran, 34th edition, Qom: Sahba.
- 20- Khamenei, Seyed Ali, (1401), A. Commentary on Surah Baqarah, second edition, Tehran, Islamic Revolution Publishing House.
- 21- Khamenei, Seyed Ali, (1401), B. Commentary on Surah Hamad, 7th edition, Tehran, Islamic Revolution Publishing House.
- 22- Khamenei, Seyed Ali, (1401), C. Commentary on Surah Mujadaleh, 9th edition, Tehran, Islamic Revolution Publishing House.
- 23- Kurz, Louis and Rosenberg, Bernard, (1385), Sociological Basic Theories, translated by Farhang Ershad Ins., Tehran, Ney publication.
- 24- Makarem Shirazi, Naser, (1371), Tafsir Nomooneh, 10th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyeh.
- 25- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1398), Society and History from the perspective of the Quran, second edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 26- Motahari, Morteza, (1385), Society and History, 18th edition, Tehran, Sadra.
- 27- Mousavi Khomeini, Seyed Ruhollah, (1389), Sahifa Imam: collection of works of Imam Khomeini (RA) (statements, messages, interviews, decrees, Sharia permits and letters); 5th edition, Tehran, Institute for editing and publishing works of Imam Khomeini (RA).
- 28- Pourezzat, Ali Asghar, (1391), «The Coordinates of the Monotheistic Organization in the Light of the Words of Imam Ali (a.s.)», Nahj al-Balagha Researches, Issue 34, pp. 49-66.
- 29- Raghieb Al-Isfahani, Husein bin Muhammad, (1369), translation and research of 'Mufradat Alfaz al-Qur'an' with the literal interpretation of the Quran, translated by Gholamreza Khosravi Hosseini, first edition, Tehran, Mortazavi.
- 30- Razmi, Hasan and Seyyed Mahdi Jafari, (1402), Tawheed Formations; The mechanism of extension of Tawheed in organizational activities from the perspective of the Supreme Leader, Tawheed Organizations, first edition, Qom, Rahe Fitrat.
- 31- Schaefer, Richard, (1391), The Condensed Dictionary of Sociology, translated by Hossein Shiran, n.p., Tehran, Oriental Sociology.
- 32- Scott, John, (1398), Conceptualizing the Social World; Principles of Sociological Analysis, translated by Ruhollah Ghasemi, first edition, Tehran, Andisheh Ehsan.
- 33- Seyed Qutb, (n.d.), Signs of the Way, translated by Mahmoud Mahmoudi, Tehran, Sayyed Qutb and Mohammad Qutb Thoughts and Thoughts Publishing Foundation.
- 34- Seyyedifar, Seyed Ali, (1395), Social Ontology, An Introduction to a New Theory, First Edition, Tehran, Imam Sadiq (AS) University, Basij of the Student.
- 35- Tabatabai, Seyed Muhammad Hussein, (1390 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an,

second edition, Beirut, al-Alami Press Institute.

36- Tabatabai, Seyed Muhammad Hussein, (1390), Principles of Philosophy and the Method of Realism (with an introduction and comments by Shahid Motahari), Tehran, Sadra.

37- Tarihi, Fakhreddin, (1375), Majma Al-Baharin, third edition, Tehran, Mortazavi.

38- Tarkhan, Qasim, (1402), The Results of Theological Foundations in Islamic Humanities, first edition, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Organization.

39- The statements at the meeting of the participants in the international Quran competition 02/07/1396 Khamenei.ir

40- The full text of the Iranian Islamic Basic Model of Progress 97072212330 <https://www.isna.ir/news>

41- The text of the statement of the second step of the Islamic Revolution 41673 <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=>